

هو العليم

# ترجمه و بيان رسالهٔ حقوق امام سجاد عليه السلام

مجلس سوم

بيانات

علامه حاج سيد محمدحسين حسيني طهراني  
قدس الله سرّه

طهران، مسجد قائم، رمضان المبارک ۱۳۹۸ هـ.ق.

[أعوذ بالله من الشيطان الرجيم  
بسم الله الرحمن الرحيم  
و صلى الله على محمد وآله الطاهرين  
و لعنة الله على أعدائهم أجمعين]

## حق مولا

**وَأَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ أَنْفَقَ فِيكَ مَالَهُ وَ أَخْرَجَكَ مِنْ ذُلِّ الرِّقِّ وَ وَحْشَتِهِ إِلَى عِزِّ الْحُرِّيَّةِ وَ أُنْسِهَا، فَأَطْلَقَكَ مِنْ أَسْرِ الْمَلِكِيَّةِ وَ فَكَّ عَنْكَ قَيْدَ الْعُبُودِيَّةِ وَ أَخْرَجَكَ مِنَ السِّجْنِ وَ مَلَكَكَ نَفْسَكَ وَ فَرَّغَكَ لِعِبَادَةِ رَبِّكَ وَ تَعَلَّمَ أَنَّهُ أَوْلَى الْخَلْقِ بِكَ فِي حَيَاتِكَ وَ مَوْتِكَ وَ أَنَّ نَصْرَتَهُ عَلَيْكَ وَاجِبَةٌ بِنَفْسِكَ وَ مَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.**

این حق راجع به آن عبدی است که مولا او را آزاد کرده باشد، و بنابراین بعد از آزادی، آن حقی [را] که مولا بر بنده پیدا می‌کند حضرت در این فقره بیان می‌فرماید:

«و اما حق مولای تو، آن مولایی که بر تو انعام کرده و تو را آزاد کرده، این است که بدانی که او درباره تو مالی را انفاق کرده، و تو که ملک او بودی [و] در مقابل مال، تو را برای خود ابتیاع کرده بود [آزاد کرده است]؛ و بنابراین تو را که آزاد کرده، قیمت تو را در راه خدا انفاق کرده، و تو را از ذل رِقِّ و عبودیت و وحشت بندگی بهسوی عز حریت و انس حریت وارد کرده، و از اسارت ملکیت تو را آزاد کرده، و بندها و قیدهای عبودیت را از تو باز کرده، و تو را از زندان عبودیت رها کرده، و تو را مالک نفس خود کرده، و برای عبادت پروردگار خودت، تو را فارغ البال و با آرامش دل و سکینه خاطر قرار داده است. و باید بدانی که آن مولا از تمام خلائق بهسوی تو اولویت دارد در حیات تو و موت تو؛ و یاری کردن آن مولا بر تو واجب است با نفس خودت و با هر چیزی که مولا بهسوی آن چیز از تو احتیاج دارد. و لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.»

## حق غلام

**وَأَمَّا حَقُّ مَوْلَاكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ عِتْقَكَ لَهُ وَسِيلَةً إِلَيْهِ وَ حِجَابًا لَكَ مِنَ النَّارِ، وَ أَنَّ ثَوَابَكَ فِي الْعَاجِلِ مِيرَاثُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ رَحِمٌ مُكَافَأَةٌ بِمَا أَنْفَقْتَ مِنْ مَالِكَ وَ فِي الْآجِلِ الْجَنَّةُ.**

«اما مولایی که بنده‌ای را آزاد می‌کند، آن حقوقی که این مولا برعهده آن بنده دارد، این است که بدانی خداوند علی‌الآدی این بنده را بهدست تو وسیله بهسوی خودش قرار داده، و حجاب و سپری از برای تو از آتش جهنم قرار داده است. و نتیجه‌ای که در دنیا از این بنده آزاد شده به تو می‌رسد، این است که میراثش مال توست در صورتی که رَجْمی نداشته باشد.»

یکی از طبقات ارث، آن مولایی است که بنده خود را آزاد کرده و بنده آزاد مالی‌های دارد و رَجْمی ندارد. اگر رَجْمی داشته باشد، مانند پدر و مادر و اولاد، یا در مرتبه دُئِم [مانند] عمو و دایی و اجداد، [ارث به آنها می‌رسد؛ اما اگر چنین نباشد] و در سایر مراتب [هم] رَجْمی برای او نباشد، ارث آن غلام آزاد شده به مولای خودش می‌رسد. بنابراین حضرت می‌فرماید:

«نتیجه آزادی آن غلام بهدست تو در دنیا این است که اگر رَجْمی نداشته باشد، تو وارث او خواهی

بود، مکافاتاً و جزائاً به آنچه تو از مال خودت انفاق کردی و او را در راه خدا آزاد کردی. و نتیجه آزادی در روز قیامت بهشت است که خدا برای تو مقدر فرموده است.»

## حق نیکوکار

**وَأَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ وَ تَكْسِبُهُ الْمَقَالََةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً، وَ إِنَّ قَدْرَتَ عَلَيَّ مُكَافَاتِهِ يَوْمًا كَافِيَةٌ.**

«و اما حق آن کسی که در دنیا به تو احسانی کرده [و] نیکی کرده، آن است که شکرانه آن نیکی را بجا بیاوری، و همیشه آن کار معروف و احسانی که درباره تو کرده است، در خاطر به یاد داشته باشی.

و درباره او با گفتار نیکو رفتار کنی، و در مواقع خلوت بین خود و بین خدا، او را از دعای خالص خودت فراموش نکنی. زمانی که این کارها را بجا آوردی، تو شکر نعمت او را در پنهان و آشکار انجام دادی، و اگر هم بتوانی در مقابل احسان و نعمتی که به تو داده، در روزی مکافات کنی و جزای او را بدهی، البته این کار را بکن.»

## حق مؤذن

**وَأَمَّا حَقُّ الْمُؤَذِّنِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مُذَكِّرٌ لَكَ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَاعٍ لَكَ إِلَى حِظِّكَ وَ عَوْنِكَ عَلَيَّ قَضَاءِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ فَأَشْكُرُهُ عَلَيَّ ذَلِكَ شُكْرَكَ لِلْمُحْسِنِ إِلَيْكَ.**

«اما حق مؤذن که اذان می‌دهد و در مواقع نماز تو را اعلام می‌کند، این است که بدانی که او خدای عز و جل، پروردگار تو را به یاد تو می‌آورد، و دعوت می‌کند تو را به نماز که حظ توست از معنا و عالم آخرت و لقاء خدا در دنیا. و آن مؤذن عون و یار و ناصر توست در بجا آوردن نماز که فریضه است از طرف پروردگار عز و جل.»

پس بنابراین، شکرانه این نعمت را بجا بیاور همان‌طوری که شکرانه کسی که به تو احسان می‌کند، بجا می‌آوری.»

## حق امام جماعت

**وَ حَقُّ إِمَامِكَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ يُقَلِّدُ السَّفَارَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَكَلَّمَ عَنْكَ وَ لَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَ دَعَا لَكَ وَ لَمْ تَدْعُ لَهُ وَ كَفَاكَ هَوَلُ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَإِنْ كَانَ نَقْصٌ كَانَ بِه دُونِكَ وَ إِنْ كَانَ تَمَامٌ كُنْتَ شَرِيكَهُ وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ، فَوْقِي [حَفِظْ] نَفْسَكَ بِنَفْسِهِ وَ صَلَاتِكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرْ لَهُ عَلَيَّ قَدْرَ ذَلِكَ.**

«و اما حق امام تو در نماز (یعنی امام جماعت) که برای تو ایتمام می‌کند، این است که بدانی که او سفارت و رسالت فیما بین تو و بین پروردگارت را به عهده گرفته، و در نماز، سفیر فیما بین تو و بین خدای تو شده است. و او از طرف تو سخن می‌گوید و تو تکلم نمی‌کنی، و برای تو دعا می‌کند و می‌خواند و تو دعا نمی‌کنی و نمی‌خوانی. و کافی [است] و کفایت کرده از تو خوف و خشیت و قوف و مقام بین یَدیِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ را که خودش تمام این منظورات را به عهده گرفته و به‌عنوان امامت در پیشگاه پروردگار حاضر شده است.»

پس اگر در نماز او نقصی باشد برای اوست و به نماز تو ضرری نمی‌رساند؛ و اگر نماز او تمام باشد، با تمامیت نماز او شریک خواهی بود.

پس آن امام، نفس تو را به‌واسطه نفس خودش که جلو افتاده در این راه، از آفات حفظ کرده، و نماز تو را به نماز خودش حفظ کرده، پس شکرانه او را بجا می‌آوری بر این مقدار.»

## حق همنشین

**وَأَمَّا حَقُّ جَلِيسِكَ فَإِنَّ تَلِينَ لَهُ جَانِبَكَ وَ تُنْصَفُهُ فِي مُجَارَاةِ اللَّفْظِ، وَ لَا تَقُومَ مِنْ مَجْلِسِكَ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ مَنْ يَجْلِسُ إِلَيْكَ يَجُوزُ لَهُ الْقِيَامُ عَنْكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ، وَ تَنْسَى زَلَاتِهِ وَ تَحْفَظُ خَيْرَاتِهِ وَ لَا**

## تُسمِعُهُ إِلَّا خَيْرًا.

«و اما حق کسی که در مقابل تو نشسته و جلیس توست، با تو هم صحبت و هم مجلس است در یک مجلس، این است که با او به عطوفت و نرمی رفتار بنمایی، و در گفتار اعتدال بورزی، و در کلمات جور، جانب نَصِفَت و عدالت را مراعات کنی. و از مجلست برنخیزی، از جایت برنخیزی مگر با اجازه او؛

اما آن که در مقابل تو نشسته می‌تواند از مجلس قیام کند، برخیزد، بدون اذن تو. و دیگر اینکه زلات و لغزش‌های او را فراموش کنی، و نیکی‌هایی که در این مجلس به تو رسیده به‌خاطر داشته باشی، و در این مجلس به گوش او نرسانی مگر مطالبی را که برای او خیر باشد.»

## حق همسایه

**و اَمَّا حَقُّ جَارِكَ فَحَفِظْهُ غَائِبًا و اِكْرَامُهُ شَاهِدًا و نُصْرَتُهُ اِذَا كَانَ مَظْلُومًا و لَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً، فَاِنْ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سَوْءًا سَتَّرْتَهُ عَلَيْهِ و اِنْ عَلِمْتَ اَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ نَصَحْتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ و بَيْنَهُ، و لَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شَدِيدَةٍ و تُقِيلُ عَثْرَتَهُ و تَغْفِرُ ذَنْبَهُ و تُعَاشِرُهُ مُعَاشِرَةَ كَرِيْمَةٍ و لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.**

«حق همسایه تو، بر تو این است که او را حفظ کنی در هنگامی که غائب است، و در هنگامی که حاضر است و مسافرت نکرده و غیبت ندارد، او را اکرام کنی و گرمی بداری، و زمانی که مظلوم واقع گردد، او را نصرت کنی، و از عورات و قبائح او در صدد تفحص و تجسس و اطلاع نباشی.

و اگر احياناً بدی را از او اطلاع پیدا کردی، آن بدی را بر او ببوشانی، و اگر می‌دانی که نصیحت تو را می‌پذیرد، فیمابینک و بینة، در مجلس خلوت، او را نصیحت کنی، و او را در مقابل شدائد و گرفتاری‌ها تنها نگذاری. و زلات و لغزش او را درگذری، و خطا و گناه او را بیمارزی و با او معاشرت کنی، معاشرت کریمانه و بزرگوارانه. و لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.»

## حق همسفر

**و اَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ فَاِنْ تَصَحَّبَهُ بِالتَّفَضُّلِ و الْاِنْصَافِ و تُكْرِمَهُ كَمَا يُكْرِمُكَ و لَا تَدْعَهُ يَسْبِقُ اِلَى مَكْرَمَةٍ، و اِنْ سَبَقُ كَافَاتِهِ و تَوَدَّهٗ كَمَا يُوَدُّكَ و تَرَجَّرَهُ عَمَّا يَهُمُّ بِهِ مِنْ مَعْصِيَةِ اللّٰهِ، و كُنْ عَلَيْهِ رَحْمَةً و لَا تُكُنْ عَلَيْهِ عَذَابًا، و لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.<sup>1</sup>**

«حق آن کسی که با توست در سفر یا حضر، مصاحبت می‌کند و همراه توست (مانند افرادی که با انسان سفر می‌کنند و در بین راه با انسان جلیس و هم‌نشین هستند) این است که با او مصاحبت کنی به اینکه او را در امور مقدم بداری و حق تقدم را برای او قرار دهی، و در هر امری که پیش می‌آید، با او از در انصاف درآیی و او را اکرام کنی کما اینکه او تو را اکرام می‌کند، و او را بله و رها نگذاری که سبقت کند به‌سوی مکرمه‌ای (یعنی کار نیکی) مگر اینکه تو سبقت کن و آن کار را بجا بیاور؛ پس اگر او سبقت کرد و احسانی به تو کرد، مکافات کن و جزای احسان او را به نحو احسان بده.

و دیگر اینکه دوست داشته باشی او را و بر او مودت کنی کما اینکه او تو را دوست دارد، و از او دفع کنی و دور کنی آن معصیتی را که او در راه مصاحبت اراده می‌کند و اهتمام می‌کند که بجا بیاورد، از معصیت‌های پروردگار.

و خلاصه در راه و مسافرت و در طول مصاحبت، رحمت باش برای او، و برای او عذاب نبوده باش که به‌واسطه توقعات بیجا از تو ملول گردد و این سفر را بر تو عذاب بیندارد. و لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ.»

صلواتی ختم بفرمایید.

[اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ]

<sup>1</sup> . مکارم الأخلاق، ص 421 و 422.